

آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در پرتو نظریه قوچ قربانی

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۲

مهدی آقاجانی^۱
سید محمود میرخلیلی^۲
احمد حاجی ده‌آبادی^۳

چکیده

فراکنی حکومت در پذیرش علل ناکامی سیاست‌ها و مقصر جلوه دادن متهمان مهم‌ترین ویژگی نظریه قوچ قربانی است. ناتوانی حاکمیت در تأمین امنیت و در پی آن، افزایش نرخ جرایم موجب بی‌اعتمادی مردم به مقامات عدالت کیفری و نهادهای کنترل جرم می‌شود. عوام‌گرایی کیفری از مبانی نظریه نامبرده و رویکردی است که بر اساس آن سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری به‌منظور به‌دست آوردن حمایت عمومی و کسب مشروعیت، بدون توجه به یافته‌های علمی و معیار اثربخشی و کارآمدی، و تنها از طریق تشدید کیفر در صدد کنترل جرایم برمی‌آیند. الگوی امنیت‌گرایی در حقوق کیفری یکی دیگر از مبانی نظریه قوچ قربانی است. در این الگو، مجرمان که اغلب قربانی شرایط اجتماعی نامناسب پیرامون خود هستند، دیگر بار قربانی سیاست‌های کیفری نادرست حاکمیت می‌شوند. در تحقیق پیش رو ضمن تبیین مفهوم و مبانی نظریه قوچ قربانی، سیاست کیفری ایران با معیار و ملاک این نظریه ارزیابی شده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد سیاست‌گذاران کیفری ایران، هم در بخش تقنینی و هم در بخش قضایی، تا حدود زیادی به اندیشه‌ها و رویه‌های ناشی از سیاست کیفری امنیت‌محور و گفتمان عوام‌گرایی کیفری پایبند هستند. در این زمینه ضرورت دارد مقامات سیاست جنایی ایران با الگوبرداری مثبت و پایبندی به اصول و مبانی علمی علل واقعی جرم را شناسایی کرده، مسیر و ساختارهای مؤثرتر قانونی و قضایی را به‌منظور کنترل جرم و فرایند کیفری منصفانه تدارک ببینند.

واژگان کلیدی: حقوق کیفری امنیت‌مدار، سیاست کیفری ایران، عوام‌گرایی کیفری، نظریه قوچ قربانی.

aghajani.mahdi@gmail.com
mirkhalili@ut.ac.ir
adehabadi@ut.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، ایران
۲. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، ایران (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی قم، ایران

مقدمه

به زعم برخی جرم‌شناسان، بزهکاران قربانی شرایط نامساعد جامعه هستند و سرچشمه جرم را اغلب باید در اجتماع و شرایط نابسامان و آسیب‌های ناشی از آن جستجو کرد. جامعه نقش مؤثر در پرورش بزهکار و وقوع بزه دارد. در واقع، مشکلات و ناهنجاری‌های محیط اجتماعی فرد یا افرادی را وادار به جنایت می‌کند و مسبب بزهکاری‌های افراد است. به عقیده ژان ژاک روسو، طبیعت انسان را نیک، آزاد و خوشبخت آفریده است، ولی جامعه او را شریر و بدبخت می‌کند.^۴

در چارچوب نظریه قوچ قربانی، از ساده‌ترین راه‌حل یعنی «سزاگرایی» در مبارزه با جرم و کنترل آن استفاده می‌شود که از پیامدهای واضح این امر مسئله برچسب‌زنی است که به موجب آن مجرم جایگاه خود را به عنوان یک بزهکار می‌پذیرد و از جامعه فاصله می‌گیرد و در ورطه بزهکاری فرو می‌رود و در نتیجه، نه تنها اصلاح نمی‌شود، بلکه مرتکب تکرار جرم می‌گردد. در چنین نظام‌هایی حقوق متهم و کرامت وی و اصول بنیادین حقوق جزا و دادرسی عادلانه زیر پا گذاشته شده، هزینه‌های فراوانی به نظام عدالت کیفری تحمیل می‌شود.

پدیده مجرمانه از تناقضات پنهانی ساخت‌های اجتماعی ناشی می‌شود. به عقیده میشل پست حکومت و نخبگان جامعه با طرح مباحث ایدئولوژیک در مورد جرم، بر واقعیت یادشده پرده افکنده‌اند و از طریق رسانه‌ها تصورات ناخودآگاه جمعی مردم را به این سمت سوق داده‌اند که همه مشکلات جامعه مربوط به افراد بزهکار است. در زیر این نقاب‌ها، واقعیت ستیز طبقاتی و تبعیض‌های اجتماعی نادیده گرفته می‌شود و بدین سان مجرمان نقش قوچ قربانی را پیدا می‌کنند که ضامن تداوم حیات جامعه و صیانت از هنجارها است؛^۵ هنجارهایی که متعلق به اقلیت است، ولی به نام اکثریت، تقدیس، تبلیغ و به صورت نهادی منتشر می‌شود. جامعه تک ساختی که بدین شکل حاصل می‌شود بستری مناسب برای تولید

۴. مهدی، کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، ج ۲، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۹، ۱۳۸۸)، ص ۱۴.

۵. ژان، میشل پست، جامعه‌شناسی جنایت، مترجم: فریدون وحید، (مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷)، ص ۵۷.

تصویر دشمن گونه از بزهکاری است. زیرا، در این جامعه، همه چیز در چارچوب همان نظام ارزشی واحد درک می‌شود و تهاجم به این ارزش‌ها و هنجارها با واکنش منفی و اغلب شدید مواجه می‌گردد.^۶

وضعیت بالا نقض مفاد قرارداد اجتماعی است که مبنای فلسفی و فکری حکومت‌های امروزی را تشکیل می‌دهد و به موجب آن، رابطه دولت-شهروند بر مبنای واگذاری برخی از اختیارات به دولت از سوی شهروند و در مقابل، تکلیف دولت به تأمین فرصت‌های ضروری اجتماعی شکل می‌گیرد. بر همین اساس، الگوی دولت رفاه پس از جنگ جهانی دوم در کشورهای سرمایه‌داری غربی شکل گرفت، لکن از دهه ۱۹۷۰ این دیدگاه مورد تردید واقع شد. احزاب، رسانه‌ها و خصوصاً افراد ثروتمند انتقادهایی را به این سیستم مطرح کردند. با افول اندیشه دولت رفاه نگاه حمایتی موجود نسبت به اقشار فرودست جای خود را به رهیافت‌های نظارت‌محور جهت کنترل این طبقه اجتماعی داد و برچسب‌هایی همچون مشکل‌زا بودن و کسانی که باید از آنها ترسید، به ایشان تحمیل شد. در این حالت، هدف کیفر، دیگر اصلاح و درمان نیست، بلکه ابزار مدیریت اجتماعی برای کنترل و سرکوب گروه‌های فرودست است.^۷

در این شرایط رسانه‌ها هم که در اختیار دولت‌ها و جریان سرمایه‌داری هستند، با ایجاد ترس و هراس عمومی به‌ویژه در مورد برخی جرایم و انعکاس بیش از واقعیت این‌گونه جرایم، اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه را نسبت به آن‌ها پیشنهاد می‌دهند. از طرف دیگر، به لحاظ اینکه دیدگاه‌های عمومی در مورد جرم و مجازات تا حد زیادی نشئت‌گرفته از رسانه‌های گروهی است، با سوءاستفاده از این تقاضای عمومی، جرم و چگونگی کنترل آن مورد توجه جدی دولت‌ها قرار می‌گیرد و سیاستمداران بدون توجه به نظریات نخبگان (جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان) مبنی بر لزوم تغییر در شرایط اجتماعی و اقتصادی برای کاهش ارتکاب جرم، وعده سخت‌گیرانه‌ای نسبت به جرم و مجرم می‌دهند، و این جریان به

۶ سیدمحمدجواد، ساداتی و رحیم، نوپهار، «تاملی در زمینه‌های شکل‌گیری سیاست کیفری سخت‌گیرانه در دهه ی نخست انقلاب اسلامی ایران» نشریه مطالعات حقوقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)، سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۹۷، صفحات ۱۵۷-۱۸۳.

۷. امیر، پاک‌نهاد، سیاست جنایی ریسک‌ملار، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۸۸)، صص ۹۷ و ۹۸.

یکی از نقاط تمرکز اکثر رقابت‌های انتخاباتی تبدیل می‌شود^۸؛ به این صورت، دولت‌ها با استناد غیرواقعی به مطالبه مردم مبنی بر شدت عمل کیفری، با گرفتن انگشت اتهام نارسایی‌ها و مشکلات جامعه به سوی متهمان، سیاست کیفری را تشدید کرده، با وانهادن رویکرد اصلاحی- درمانی، محور گفتمان خود را بر مدار امنیت‌گرایی و مدیریت خطر پایه‌گذاری می‌نمایند^۹. در نتیجه، ادبیات کنترل علمی جرایم به «جنگ با جرم» تغییر می‌یابد، لذا مجازات‌های حبس، بیشتر و طولانی‌تر می‌شود و در نتیجه، جمعیت زندان‌ها افزایش پیدا می‌کند.

مشى فرافکنانه در پذیرش علل ناکامی سیاست‌ها در ارکان نظریه قوچ قربانی مشاهده می‌شود. منتها قالب ذهنی از مجرم باعث می‌شود تنها برخی افراد و گروه‌ها، خطرناک و مجرم توصیف شوند^{۱۰}. نبود راهبرد کنترلی مبتنی بر یافته‌های علمی باعث تقسیم جامعه به دو گروه «خودی» و «دیگری» می‌شود و کسانی که در گروه «دیگران» قرار می‌گیرند با واکنش‌های سخت‌تر و خشونت‌بارتری مواجه می‌شوند^{۱۱}.

با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان گفت به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه قوچ قربانی، فرافکنی حکومت در پذیرش علل ناکامی سیاست‌ها و تقسیم‌بندی جامعه به خودی و غیرخودی است، چراکه حاکمیت با تمسک به ابزار مجازات به تعبیری بزهکار را قربانی می‌کند تا سایر شهروندان دولت را مورد تخطئه قرار ندهند. به این وسیله در چرخه تلاش برای کنترل جرم و برقراری امنیت، حقوق کیفری امنیت‌مدار شکل می‌گیرد که حاصل آن وارد شدن مفهوم دشمن در حقوق کیفری است. در این رویکرد، مجرم فردی خطرناک و غیرقابل اصلاح تلقی می‌شود که برای همیشه می‌بایست از صحنه روزگار حذف شود. در واقع، زمانی که قوچ قربانی (بزهکار) موقعیت خود را به‌عنوان خودی در جامعه

۸. همان، صص ۱۰۶ و ۱۰۷.

۹. سمانه، طاهری، سیاست کیفری سخت‌گیرانه، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ص ۱۱.

۱۰. علی‌حسین، نجفی ابرندآبادی، «کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو (درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار)» تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله)، تهران: میزان، چ ۱، (۱۳۸۸)، ص ۷۴۵.

11. Jewkes, Y., "Media representations of criminal justice", in Muncie, J., & Wilson, D. (Eds.), Student handbook of criminal justice and criminology, Great Britain, Cavendish Publishing, 2004, pp. 68-69.

از دست می‌دهد، حقوق جزا ویژه دشمنان ایجاد می‌گردد که درصدد است تا از دست مجرم رهایی یابد یا دست‌کم مجرم را خنثی کند.^{۱۲} یاکوبس به‌عنوان بنیان‌گذار مفهوم حقوق کیفری دشمنان، معتقد است گاهی توسل به حقوق کیفری دشمنان مجاز و مشروع است. به نظر وی کسانی که با علم و آگاهی با نظم حقوقی موجود در ستیز هستند از جرگه حقوق شهروندی خارج شده، در نتیجه، دولت می‌تواند با توسل به هر ابزاری با آنان مقابله کند.^{۱۳} در واقع، دولت با تمسک به استراتژی غیرخودی دانستن بزهکاران، تلاش دارد تا نرخ جرم را نه با تغییر و اصلاح مرتکبان یا بهبود بسترهای اجتماعی، بلکه با حذف و طرد بزهکاران، کاهش دهد.^{۱۴} بنابراین سازوکار طرد و ناتوان‌سازی مجرمان با تحمیل شتاب‌زده برخی از مجازات‌ها نظیر اعدام نمایان می‌شود که هدف آن نه اجرای عدالت، بلکه پاک‌سازی ناخواستنی‌ها و به‌اصطلاح زباله‌های اجتماع است و دولت به مردم چنین القا می‌کند که این دسته از مجرمان به‌واسطه انجام بعضی اعمال، برای همیشه فاسد می‌شوند و جایگاه خودشان را به‌عنوان شهروند از دست می‌دهند.^{۱۵} بر اساس این دیدگاه، دولت به جای اصلاح وضع موجود و بازنگری در عملکرد خود در زمینه تأمین امنیت، با تکیه بر فرمول جرم، دولت و سرکوب، به‌شدت به کیفر تمسک جسته، به افکار عمومی ناراضی از عملکرد حاکمیت چنین القا می‌کند که بزهکاران در کمین نشسته‌اند و اگر سخت‌گیرانه به آنان پاسخ داده نشود بر پایه‌های امنیت جامعه نقش می‌بندند و موجب تزلزل و اخلال در نظم و امنیت عمومی خواهند شد. در این راستا، بزهکاران که اغلب قربانی شرایط و وضعیت‌های اجتماعی اسفبار پیرامون خود هستند، دیگر بار قربانی سیاست‌های کیفری نامناسب دولت می‌شوند و با اعمال مجازات بر آنها، گویی که می‌بایست تاوان کاستی‌های دولت در اعمال سیاست‌هایش از آنان ستانده شود. بنابر آنچه گفته شد، نکته قابل‌توجه در تمثیل قوچ قربانی این است که دولت و به‌طور خاص مقامات عدالت کیفری به‌جای اینکه علت‌ها و عوامل

۱۲. حسین، غلامی و همکاران، *اصل حداقل بودن حقوق جزا*، (تهران: میزان، چ ۱، ۱۳۹۳)، ص ۱۶۸.

۱۳. محمد، صدر توحیدخانه، «حقوق در جنبه دشمن، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله)»، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان، (۱۳۸۸)، ص ۴۸۱.

۱۴. امیر، پاک‌نهاد، *سیاست جنایی ریسک‌مدار*، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۸۸)، ص ۱۱۹.

۱۵. حسین، غلامی و همکاران، پیشین، ص ۱۷۰.

وقوع جرم را که عمدتاً ریشه در سیاست‌گذاری‌های نادرست دارد، شناسایی نموده، به جبران وضع موجود بپردازند، انگشت اتهام را به سمت بزهکاران نشانه می‌روند و آنان را نزد افکار عمومی به‌عنوان موجوداتی خطرناک که می‌بایست از سیطرهٔ روزگار حذف شوند، جلوه می‌دهند. در نظام کیفری ایران هم به‌خصوص در سال‌های اخیر، چه در حیطهٔ قانون‌گذاری و چه در عملکرد مقامات قضایی و امر دادرسی، آثار تمسک به سیاست کیفری سخت‌گیرانه و توسل به تشدید کیفر بدون ملاحظات علمی را در موضوع کنترل بزهکاری می‌توان مشاهده کرد که در حوزهٔ مواد مخدر، مفاسد اجتماعی و جرایم خیابانی (درج در پاورقی- برای نمونه در این زمینه جرایم موضوع مواد ۶۳۹، ۶۱۵، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹ و ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات قابل ذکر است. به‌طور کلی می‌توان گفت جرم خیابانی هر رفتار مجرمانه‌ای است که در سطح معابر و اماکن عمومی واقع و باعث هراس شهروندان و تهدید امنیت جسمی، عرضی و روانی افراد و عموم مردم شود) نمود بیشتری دارد.

بررسی سوابق تقنینی نشان می‌دهد که دغدغهٔ قانون‌گذار بیش از آنکه برنامه‌ریزی بلندمدت به‌منظور اصلاح و درمان بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرم از طریق بهبود بسترهای اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی باشد، بر کیفرنگاری و پاسخ فوری به پدیدهٔ مجرمانه تأکید دارد. پیامد این‌چنین قانون‌گذاری، قربانی شدن افراد به دلیل سیاست‌های تقنینی ناکارآمد است. مقامات دستگاه قضایی نیز خواه‌ناخواه درگیر سیاست کیفری ناکارآمد می‌شوند و در واقع، محاکم کیفری ابزار اجرایی برای اعمال سیاست کیفری امنیت‌گرا و ناکارآمد هستند.

در این تحقیق، سیاست کیفری ایران با توجه به شاخص‌هایی که از نظریهٔ قوچ قربانی استنباط و بیان می‌شود، با ارائهٔ برخی نمونه‌های عینی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. آثار مبانی نظریهٔ قوچ قربانی بر سیاست کیفری ایران

۱.۱. فرایند قانون‌گذاری

از آنجا که جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری و نظریهٔ قوچ قربانی در کلیهٔ مراحل سیاست کیفری ایران نقش داشته و تأثیر جبران‌ناپذیری بر سیاست جنایی ایران برجای گذاشته، لذا

در این گفتار، هم سیاست کیفری ماهوی و هم شکلی را مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۱.۱.۱. تورم قوانین (ماهوی) کیفری

منظور از تورم کیفری، تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطور نمودن بی‌رویه مجموعه قوانین جزایی با جرم‌انگاری‌های جدید است. استفاده ابزاری از قوانین کیفری از علل تورم کیفری است که دولت‌ها از طریق ضمانت اجراهای شدید آن در صدد جلب اطاعت شهروندان و تأمین امنیت عمومی هستند.^{۱۶} عدم توجه به مراحل سه‌گانه جرم‌انگاری و به‌اصطلاح فیلترهای سه‌گانه، یعنی اصول (رفتار به نظم عمومی صدمه وارد می‌کند)، پیش فرض‌ها (کنترل کیفری مؤثرتر از کنترل غیر کیفری است) و کارکردها (فواید جرم‌انگاری از زیان‌های آن بیشتر است)، آن‌گونه که ژان پرادل رعایت آنها را برای جرم‌انگاری ضروری می‌داند^{۱۷}، موجبات تورم قوانین کیفری را فراهم می‌آورد. در نوشته‌های حقوق کیفری از این دیدگاه با عنوان «سیاست جرم‌انگاری تا حداقل ممکن»^{۱۸} یاد شده است.^{۱۹}

تورم قوانین کیفری نتایج نامطلوبی به دنبال خواهد داشت، تحدید حقوق و آزادی‌های مردم به‌واسطه افزایش جرم‌انگاری، اطاله دادرسی، سردرگمی مردم و کارگزاران نظام عدالت کیفری، افزایش برچسب‌زنی مجرمانه و ورود افراد بیشتر به چرخه فرایند عدالت کیفری و رشد جمعیت کیفری زندان‌ها، عدم اشراف قضات به قوانین مختلف کیفری و صدور آرای متناقض، از مهم‌ترین پیامدهای تورم قوانین کیفری است.

در نظام حقوقی ایران استفاده از کیفر به‌عنوان در دسترس‌ترین روش کنترل جرم قابل مشاهده است؛ برای نمونه، در مورد ارزش‌های دیجیتال اولین واکنش مقامات کشور این بود که استفاده از دستگاه‌های استخراج ارزش‌های دیجیتال جرم و قابل مجازات است و نیروی

۱۶. محمدجعفر، حبیب‌زاده و همکاران، «تورم کیفری، عوامل و پیامدها»، مجله مدرس علوم انسانی، دوره ۵، ش ۴ (۱۳۸۰)، ص ۱۱۲.

۱۷. پرادل، ژان، *اندیشه‌های کیفری*، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳)، ص ۱۱۶.
18. The policy of Minimum criminalization
19. Arie Freiberg, Karen Gelb, Penal Populism, Sentencing Councils and Sentencing Policy 1st Edition Willan Published, 2008, p. 139.

انتظامی نیز چندین بار اقدام به جمع‌آوری و توقیف این دستگاه‌ها در نقاط مختلف کشور نمود. پس از آنکه فقدان کارایی واکنش‌های سرکوبگرانه و کیفی نسبت به پدیده‌ی ارز دیجیتال روشن شد، مسئولان ذی‌ربط تصمیم به پذیرش و هدایت علمی و اقتصادی موضوع گرفتند، بر این اساس وزیر اقتصاد ۳۱ تیر ۱۳۹۸ اعلام می‌دارد پدیده‌ی بیت‌کوین به رسمیت شناخته می‌شود.

۱.۱.۲. شتاب‌زدگی در تصویب قوانین و مبتنی بر وقایع

تصویب قوانین و طرح‌های شتاب‌زده و احساسی بر مبنای حوادث ارتکاب‌یافته در جامعه یا اخبار جنایی منتشرشده در رسانه‌ها مصداق بارز رویکرد عوام‌گرایی است.^{۲۰} در این شرایط به دلیل جریحه‌دار شدن احساسات عمومی، فرصت انجام کار کارشناسی و تحلیل‌های علمی فراهم نمی‌شود و سیاست‌گذاران به‌منظور جلب افکار عمومی به‌ویژه پس از وقوع جرایم مهم، در صدد اتخاذ واکنش‌های فوری برمی‌آیند. سیاست‌های مبتنی بر راهکارهای زیربنایی در معرض اتهام حمایت از بزه‌کاران قرار می‌گیرند.

قانون‌گذار ایران نیز در برخی موارد بر مبنای حوادث ارتکاب‌یافته در جامعه نسبت به تصویب قانون احساسی اقدام کرده است. موافقان این رویکرد به‌منظور موافقت دیگر سیاست‌گذاران، گاه به اخبار و گزارش‌های صفحات حوادث رسانه‌ها نیز استناد می‌کنند. حال آنکه در بسیاری از موارد، اخبار رسانه‌ها در زمینه‌ی حوادث جنایی همراه با اغراق بوده، تمام حقایق و واقعیت‌ها را منعکس نمی‌کنند.

یکی از قوانینی که با شتاب‌زدگی و فوریت در مسیر تصویب و اجرا قرار گرفت، قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر است. این قانون پس از آنکه چندین مورد ضرب و جرح و درگیری آمران به معروف و ناهیان از منکر با طرف‌های آنها صورت گرفت و با اتکا به آمارهایی مبنی بر اینکه از ابتدای انقلاب تا میانه‌ی سال ۱۳۹۲ از سوی ۸۵ هزار جانباز آمر به معروف و ناهی از منکر گزارش شده است، از طرف تعدادی از نمایندگان

۲۰. محمدباقر، مقدسی و محمد، فرجیها، «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا با مطالعه تطبیقی»، مطالعات حقوق تطبیقی، ش ۲ (۱۳۹۲)، ص ۹۸.

مجلس شورای اسلامی به صورت طرح دوفوریتی تهیه و به مجلس تقدیم شد و در جلسه مورخ ۲۳ فروردین ۱۳۹۴ مشتمل بر ۲۴ ماده و ۱۹ تبصره به تصویب رسید. مطالعه این قانون نشان می‌دهد اوصاف و ویژگی‌های حکومتی دارد و جامعه را در مقابل خود می‌بیند، ضمن اینکه صرفاً ناظر بر وجه بین شهروندی و مبتنی بر فرض حکومت صالح است.^{۲۱}

اشکالات قانونی و اجرایی این قانون به حدی بود که دولت از اجرای آن خودداری نمود؛ چنان که ارسال قانون به روزنامه رسمی نیز به استناد تبصره ماده ۱ قانون مدنی از سوی رئیس مجلس صورت پذیرفت و وضعیت اجرایی این قانون همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.^{۲۲}

۱.۱.۳. تعیین کننده دادرسی منصفانه

«حق برخورداری از دادرسی منصفانه» در بردارنده مجموعه‌ای از اصول و قواعد است که از طریق آنها وصف انتزاعی «منصفانه» بودن دادرسی که مستتر در برخی قواعد شکلی و تشریفات پراکنده است، دارای چارچوب و صورت عینی شده، مسیر برای تحقق دادرسی منصفانه مشخص و روشن می‌شود.^{۲۳} به بیان دیگر، دادرسی منصفانه به زبان ساده به مفهوم تضمین‌های کلی برای حقوق طرفین دعواست.^{۲۴} حاکمیت رویکرد امنیت‌محور بر موازین دادرسی کیفری و تعرض به نهادهای تضمین‌کننده دادرسی منصفانه صورت‌های گوناگون دارد؛ برای نمونه، حق دسترسی متهم یا وکیل او به پرونده کیفری از مهم‌ترین جلوه‌های

۲۱. حسن، خیری، «بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، ش ۲، پاییز و زمستان (۱۳۹۴)، ص ۲۳۷.

۲۲. اختلافات در خصوص اجرای قانون به حدی افزایش می‌یابد که در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۶ تعداد ۴۴ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی درخواستی، تقاضای اعمال ماده ۲۳۶ آیین‌نامه داخلی، در خصوص عدم اجرای قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» را تقدیم هیئت رئیسه کردند و در نهایت، پس از گذشت چهار سال از تصویب قانون نحوه اجرای آن به قوه قضاییه ارجاع می‌شود این درحالی است که دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر از ابلاغ سراسری این ستاد به کلیه دستگاه‌های اجرایی کشور، مبنی بر نصب و انتشار قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در محیط عمومی ادارات و نهادها سخن می‌گوید.

۲۳. اسداله، داوری، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، ش ۲ (۱۳۸۳)، ص ۲۵۳.

۲۴. رضا، پرستش و سحر خسروی دانش، «مطالعه رعایت قواعد ماهوی اصول دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران» نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر، سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۹۸ صفحات ۵۱-۷۶.

دادرسی منصفانه به‌شمار می‌آید. در مرحله تحقیقات مقدماتی احتمال نقض حقوق دفاعی متهم بیشتر قابل تصور است و رد پای رویکرد امنیت‌گرایی در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ قابل مشاهده است. قانون‌گذار در دو مورد «تشخیص بازپرس بر منافی بودن با کشف حقیقت» و «جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور»، به بازپرس اجازه داد که قرار عدم دسترسی متهم یا وکیل وی به تمام یا برخی از محتوای پرونده را صادر نماید که این امر می‌تواند موجبات تضییع حقوق متهم را فراهم آورد.

نفوذ رویکرد روزمرگی و مقطعی بدون توجه به بسترها در حوزه جرایم اقتصادی باعث شده است سیاست‌گذار کیفری ایران به‌منظور کنترل این جرایم به طرف تهیه لوایح و طرح‌هایی گرایش پیدا کند که احکام و ساختارهای پیش‌بینی‌شده در آن سخت‌گیرانه و متضمن نقض حقوق دفاعی متهم باشد. طرح مبارزه با جرایم اقتصادی در قالب ۵۱ ماده در تاریخ ۱۶ مرداد ۱۳۹۷ تحت تأثیر همین رویکرد در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. به‌موجب تبصره ماده ۳۰ این طرح، قرار رد درخواست مطالعه پرونده پس از موافقت دادستان قطعی است. رد درخواست مطالعه پرونده که زمینه‌ساز تدارک دفاع از سوی متهم است بدون پیش‌بینی حق اعتراض متهم به این تصمیم، موجبات نقض حقوق دفاعی متهم را فراهم می‌آورد. حق برخورداری متهم از وکیل دادگستری از دیگر مظاهر موازین دادرسی منصفانه است که در نظام کیفری ایران حق برخورداری متهم از وکیل منتخب در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ نادیده گرفته شده است. این تبصره با قانون اساسی و اسناد بین‌المللی که ایران ضمن آنها متعهد به رعایت حقوق و آزادی‌های افراد گردیده است، ازجمله میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، مغایرت دارد.^{۲۵}

نمونه دیگر، اصل رسیدگی کیفری در مهلت معقول، اصلی اساسی است که در تحقق محاکمه‌ای منصفانه در فرایند کیفری اهمیت بسزایی دارد. در نظام کیفری ایران شاید بتوان عبارت «کوتاه‌ترین زمان ممکن» را به معنی سرعت در تحقیقات و دادرسی با رعایت حقوق

۲۵. رجب، گلدوست جویباری و مهران، ابراهیمی‌منش، «حق برخورداری مظنونان و متهمان از وکیل مدافع منتخب؛ تطبیق با اسناد حقوق بشری»، نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ش ۶ پاییز و زمستان (۱۳۹۴)، ص ۲۸.

طرفین دعوی تفسیر کرد، لکن سرعتی که فقط برای نمایاندن اقتدار دستگاه قضایی باشد، نافی دقت است و نتیجه‌ای جز بی‌عدالتی ندارد.^{۲۶} عدم تصریح به لزوم رعایت مهلت معقول در رسیدگی کیفری و روی‌آوری به گفتمان عوام‌گرایانه و استناد به درخواست و مطالبه عمومی بر رسیدگی سریع به پرونده‌هایی که به‌خصوص تحت تأثیر بازتاب‌های رسانه‌ای قرار گرفته‌اند، باعث می‌شود که ایرادات وارده بر عملکرد شعب دادرها و دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور از جهت عدم توجه به شکلی از دادرسی که بتواند امکان لازم را برای دفاع در اختیار متهم یا وکیل وی قرار دهد، مورد بی‌توجهی واقع می‌شود و با هجمه رسانه‌ای، گاه ممکن است انتقادات وکیل متهم به نداشتن فرصت کافی برای تدارک دفاع، به‌عنوان اخلاف در مسیر اجرای عدالت کیفری تلقی و باعث شود وکیل هم در انجام وظایف قانونی خود با احتیاط عمل کند.

۲. فرایند قضایی

پیروی مقامات قضایی و انتظامی از سیاست کیفری امنیت‌محور و اتخاذ گفتمان عوام‌گرا در فرایند کیفری به شکلی از دادرسی منتهی می‌گردد که نتیجه آن تضییع حقوق و آزادی‌های افراد، به‌ویژه نادیده گرفتن حقوق متهمان است که در اینجا به فرازهای مهمی از آن اشاره می‌شود.

۲.۱. تفسیر موسع از نهادهای منافی حقوق متهم

همان‌گونه که گفته شد، قانون‌گذار ایران با اتخاذ رویکرد امنیت‌محور، «محدودیت دسترسی به پرونده» را در تحقیقات مقدماتی پیش‌بینی کرده است، لکن این محدودیت قانونی به دلیل فضای احساسی و مطالبه عمومی در پرتو بازتاب رسانه‌ای برخی جرایم به‌منظور اقناع افکار عمومی از برخورد قاطع قوه قضائیه با مجرمان در مرحله دادرسی در وضعیت به‌مراتب نامناسب‌تری قرار می‌گیرد، به‌طوری که از عبارت «منافی با کشف حقیقت» در ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ تفسیر گسترده به‌عمل می‌آید. همین‌طور گاه موجب شده است که به جرایم عمومی وصف امنیتی اعطا شود تا

۲۶. المیرا، آتشی، مهلت معقول در فرایند کیفری، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۹۲)، ص ۲۸.

محدودیت‌های تأمین حقوق دفاعی متهم شامل متهمان چنین پرونده‌هایی هم بشود. در این زمینه نامه رئیس وقت قوه قضائیه به رهبری در مرداد ۱۳۹۷^{۲۷} و توصیف جرایم اقتصادی

۲۷. بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام الله ظلّه الوارف) رهبر معظم انقلاب اسلامی

سلام علیکم

با احترام، نظر به شرایط ویژه اقتصادی کنونی که نوعی جنگ اقتصادی محسوب می‌شود و متأسفانه عده‌ای از اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی هم در راستای اهداف دشمن موجبات آن را فراهم و مرتکب جرایمی می‌شوند که ضرورت برخورد قاطع و سریع با آنان را می‌طلبد، در صورت صلاحدید به رئیس قوه قضائیه اجازه فرمائید در چارچوب قانون مجازات اخلاص‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رعایت موارد ذیل اقدام نماید.

- ۱- حسب مفاد تبصره ۶ ماده ۲ قانون مذکور شعبی از دادگاه انقلاب اسلامی را با ترکیب سه نفر قاضی با حداقل ۲۰ سال سابقه قضائی (یک نفر رئیس و دو مستشار) تشکیل دهد. رسمیت دادگاه با حضور دو نفر از اعضاء خواهد بود.
- ۲- محل استقرار این شعب در تهران می‌باشد و کلیه پرونده‌های مرتبط، توسط معاون اول قوه قضائیه به آن شعب ارجاع می‌شود و با تشخیص رئیس قوه قضائیه حسب ضرورت در مراکز استان‌ها نیز قابل تشکیل است.
- ۳- به تشخیص رئیس دادگاه جلسات علنی و قابل انتشار در رسانه‌ها می‌باشد.
- ۴- کلیه مواعید قانونی لازم‌الرعایه مندرج در آیین دادرسی از قبیل ابلاغ و اعتراض حداکثر ۵ روز تعیین می‌شود.
- ۵- مفاد تبصره ماده ۶۸ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص وکیل، در دادگاه نیز مجری خواهد بود.
- ۶- هرگاه ضمن رسیدگی در دادگاه نقص تحقیقاتی احراز شود دادگاه می‌تواند رأساً نیز نسبت به تکمیل تحقیقات اقدام نماید.
- ۷- کلیه اتهامات اشخاص حقیقی و حقوقی و کشوری و لشکری مرتبط با پرونده ارجاعی اعم از مباشر، شرکاء و معاونین در یک شعبه رسیدگی می‌شود.

۸- هرگونه تعلیق و تخفیف نسبت به مجازات اخلاص‌گران و مفسدان اقتصادی ممنوع است.

۹- در کلیه موارد رسیدگی به جرائم مذکور در صورت وجود دلایل کافی به تشخیص قاضی دادرسی و یا دادگاه حسب مورد قرار بازداشت موقت تا ختم رسیدگی و صدور حکم قطعی صادر می‌شود. این قرار غیرقابل اعتراض در مراجع دیگر خواهد بود. هرگونه تغییری در قرار، توسط دادگاه رسیدگی‌کننده صورت می‌پذیرد.

۱۰- آرای صادره از این دادگاه به جز اعدام، قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد. احکام اعدام با مهلت حداکثر ۱۰ روز قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور می‌باشد.

۱۱- آیین‌نامه اجرایی این مصوبه توسط رئیس قوه قضائیه تهیه و تصویب می‌شود.

۱۲- این مصوبه برای مدت دوسال از تاریخ تصویب معتبر می‌باشد.

والامر الیکم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صادق آملی لاریجانی

بسمه تعالی

با پیشنهاد موافقت می‌شود. مقصود آن است که مجازات مفسدان اقتصادی سریع و عادلانه انجام گیرد. در مورد اتقان احکام دادگاهها دقت لازم را توصیه فرمائید.

والسلام علیکم ورحمة الله

سید علی خامنه‌ای ۲۰ / ۵ / ۹۷

به‌عنوان موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (افساد فی الارض) قابل توجه است: «...در صورت صلاح‌دید به رئیس قوه قضائیه اجازه فرمائید در چارچوب قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی و ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رعایت موارد ذیل، اقدام نماید...».

مورد دیگر از تفسیر گسترده از نهادهای منافی با حقوق دفاعی متهم، «محدودیت در حق انتخاب وکیل» است، طبق صراحت تبصره ماده ۴۸ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲، این محدودیت تنها مربوط به مرحله تحقیقات مقدماتی است و با ارسال پرونده به دادگاه، محدودیت برای انتخاب وکیل در پرونده‌های موضوع تبصره ماده ۴۸ برداشته می‌شود؛ با این حال، تمایل مقامات قضایی به اتخاذ شیوه سخت‌گیرانه در این پرونده‌ها و به جهت مقتدر نشان دادن دستگاه قضایی در برخورد با جرایم و از طرفی نگرانی از بابت اینکه از سوی افکار عمومی و رسانه‌ها به سهل‌گیری متهم نشوند، محدودیت یادشده را به مرحله دادگاه نیز تسری می‌دهند. در بند ۵ نامه پیش‌گفته چنین آمده است: «مفاد تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص وکیل، در دادگاه نیز مجری خواهد بود»^{۲۸}.

۲.۲. فراهم‌آوری بستر تعقیب در جرایم جنسی

مطالعه فرایند رسیدگی به پرونده‌های جرایم جنسی در ایران نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد با تأثیرپذیری دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری و با این ادعا که مردم خواهان اجرای سریع عدالت هستند، ترتیبات رسیدگی به‌گونه‌ای پیش می‌رود که شائبه نقض موازین دادرسی منصفانه به ذهن خطور می‌کند.^{۲۹}

«منع تعقیب و تحقیق» در جرایم منافی عفت یکی از جلوه‌های عمده سیاست بزه‌پوشی نظام جزایی اسلام است^{۳۰} که به‌موجب آن اصولاً تعقیب و تحقیق در این جرایم ممنوع است و مراجع قضایی جز در سه مورد حق ورود به جرایم یادشده را ندارند؛ با این حال، اتخاذ

۲۸. مهدی، شیدائیان، و زینب، شیدائیان، «رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جرائم منافی عفت»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۱۰۱ (۱۳۹۷)، ص ۱۳۹.

۲۹. محمدباقر، مقدسی و محمد، فرجیها، پیشین، ص ۸۳.

۳۰. مهدی، شیدائیان و زینب، شیدائیان، پیشین، ص ۱۱۸.

گفتمان عوام‌گرا و پیوند رسانه‌ای در جریان پرونده‌های کیفری و دخالت افکار عمومی در فرایند کیفری مربوط به جرایم منافی عفت، باعث شده است مبنای اصلی و اولیه جرم‌انگاری این جرایم در نظام کیفری ایران نادیده گرفته شود. از سوی دیگر، موجب اتخاذ واکنش‌های سریع و به‌دور از چارچوب موازین دادرسی منصفانه و قواعد رسیدگی به این جرایم، چه از سوی مقامات قضایی و چه از سوی پلیس می‌شود.

هرازگاهی در اخبار و رسانه‌ها، شاهد دخالت ضابطان دادگستری فراتر از وظایف شناخته‌شده قانونی در حوزه این جرایم هستیم و در این موارد از یک سو به وجود استثنایهایی که در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری از جمله «مشهود بودن»، و از سوی دیگر به مطالبات مردمی استناد می‌شود. دستگیری یک خانم به شیوه‌ای خشن و زنده در بوستان پلیس واقع در منطقه تهرانپارس در این راستا قابل تفسیر و ارزیابی است و این درحالیست که استثنای پیش‌بینی‌شده در ماده ۱۰۲، تنها مجوز تحقیق و تعقیب برای قاضی دادگاه است، نه ضابطان. در واقع، رویکرد حقوق کیفری دشمنان بر عملکرد مقامات قضایی و انتظامی، هرگونه برخورد شدید و خارج از اصول و قواعد شناخته‌شده دادرسی کیفری را تجویز می‌نماید.^{۳۱}

۲.۳. تعجیل در دادرسی

ملاحظه رفتار مقامات قضایی ایران بیانگر آن است که تحت تأثیر فضای سیاسی- رسانه‌ای و هیجانات اجتماعی، روند دادرسی کیفری نه در مهلت متعارف و منطقی که برای رسیدگی دقیق و منصفانه به موضوع ضرورت دارد، بلکه با سرعت و عجله طی شده و به تصمیم نهایی رسیده است؛ برای نمونه، در پرونده اتهامی محمدعلی نجفی با موضوع قتل

۳۱. با آغاز فصل تابستان و گرم شدن هوا، مسئولان ناجا هشدار دادند به شدت با پدیده بدحجابی مقابله خواهند کرد. بر اساس چنین اظهار نظرهای پیشینی است که ذیل خبر دستگیری آن خانم در بوستان پلیس و اعلام فرمانده انتظامی تهران بزرگ مبنی بر عزل دو مأموری که در صحنه این‌گونه رفتار کرده‌اند، چنین تحلیل می‌شود: «پلیس از یکسو به خاطر ورود به حیطه‌هایی که جزء وظایف ذاتی آنها نیست مورد انتقاد قرار می‌گیرد و از طرفی به خاطر غفلت از وظایف ذاتی یعنی مبارزه با جرم و جنایت واقعی شمامت می‌شود. آنچه در پارک پلیس تهرانپارس گذشت تنها اشتباه میدانی یک یا چند مأمور نیست، بلکه نتیجه دست‌کاری در وظایف پلیس است. درگیر کردن پلیس در موضوعات سیاسی و عقیدتی و فرهنگی، آن‌ها را از انجام وظایف اصلی بازمی‌دارد و باعث تکرار این وقایع می‌شود».

میترا استاد، از تاریخ وقوع قتل و طرح پرونده در دادسرای جنایی ناحیه ۲۷ تهران تا زمان صدور کیفرخواست تنها ۵ روز به طول انجامید، درحالی که مطالعه و دقت در لزوم اقدامات ضروری در تحقیقات مقدماتی پرونده‌ای با موضوع قتل عمد از جمله بررسی صحنه جرم و بازسازی صحنه قتل^{۳۲}، جمع‌آوری ادله دفاعی متهم^{۳۳}، تحقیق از شهود و... بیانگر این است که مدت زمان ۵ روز حتی در شرایطی که هیچ دفاع خاصی از سوی متهم به عمل نیامده باشد، نمی‌تواند از جهت رعایت تشریفات که در زمینه رسیدگی قانونی و عادلانه به پرونده قتل ضرورت دارد، اطمینان‌بخش باشد. به همین جهت به‌کارگیری عبارت توأم با طنز «دادستانی تهران به رکورد بی‌نظیری در رسیدگی سریع به یک پرونده پیچیده قتل دست یافته است» از سوی تحلیل‌گران در واقع، خبر از واقعیت نامطلوب فرایند کیفری قربانی‌ساز در نظام عدالت کیفری ایران می‌دهد.

بررسی رفتار رسانه ملی در این موضوع نقش رسانه‌ها را در گفتمان عوام‌گرایی که از مبانی نظریه قوچ قربانی است، به‌خوبی نشان می‌دهد صدا و سیما به روشی غیرمتعارف و غیرقانونی این پرونده را در مرحله اتهامی و قبل از قطعیت رأی، پوشش خبری و تصویری می‌دهد، به طوری که عملکرد این سازمان مورد اعتراض برخی مقامات سیاسی قرار می‌گیرد. بدیهی است موج اجتماعی و مطالباتی که به این صورت با دامن زدن رسانه‌ای در سطح جامعه و به‌دور از فضای کارشناسی شکل می‌گیرد، موجبات نادیده گرفته شدن حقوق متهم را در جریان دادرسی فراهم می‌آورد.

نمونه دیگر، نامه رئیس وقت قوه قضائیه به رهبری است. در این نامه، مجموعه‌ای از شاخصه‌های دادرسی منصفانه مورد بی‌توجهی واقع شده است. در خصوص تعجیل در دادرسی و نادیده گرفتن مهلت معقول، در بندهای ۴ و ۱۰ نامه چنین آمده است: «کلیه مواعد قانونی لازم‌الرعیه مندرج در آیین دادرسی از قبیل ابلاغ و اعتراض حداکثر ۵ روز تعیین می‌شود». اقدام رئیس قوه قضائیه به‌عنوان بالاترین مقام سیاست‌گذار قضایی کشور در کاستن از فرصت‌های قانونی متهم برای دفاع و جمع‌آوری ادله و قراین دفاعی و به‌ویژه

۳۲. ماده ۱۳۰

۳۳. ماده ۹۳

در مرحله اعتراض به حکم راه، جز با شاخصه‌های گفتمان سیاست کیفری عوام‌گرا نمی‌توان تفسیر و تبیین نمود.

مطالعه فرایند رسیدگی و مجازات مرتکبان حوادث مهم قتل و خشونت طی چند سال اخیر نیز نشان می‌دهد که پاسخ سریع به مرتکبان این جرایم یکی از راهبردهای اصلی قوه قضائیه بوده است. آتنا اصلانی دختر هفت‌ساله اهل پارس‌آباد مغان که در ۲۸ خرداد ۱۳۹۶ از سوی صاحب مغازه در همسایگی منزل خود به قتل رسید و به دلیل بازتاب گسترده موضوع در رسانه‌ها، رئیس قوه قضائیه دستور رسیدگی خارج از نوبت پرونده را صادر می‌نماید. رسیدگی در مراحل مختلف از دادسرا تا دیوان عالی کشور به سرعت انجام، و صبحگاه ۲۹ شهریور همان سال قاتل آتنا اصلانی در ملأ عام اعدام شد. این درحالی است که مشاهده روند رسیدگی به پرونده‌های مختلف نشان می‌دهد که مدت زمان رسیدگی و صدور حکم در اغلب پرونده‌های قتل عمد کمتر از یک سال نخواهد بود.^{۳۴}

۳. فراگیری شیوه‌های فوق‌العاده دادخواهی؛ دادرسی نامتوازن

قاعده‌مندی در امر دادرسی، چه از نظر حقوق جزای ماهوی و ارکان جرم و مجازات و چه به لحاظ حقوق جزای شکلی و آیین دادرسی کیفری، از شاخصه‌های مدرنیته کیفری است که در آن، قانون از جایگاه والایی برخوردار است.^{۳۵} تعیین تکلیف پرونده قضایی در چارچوب فرایند دادرسی و در پرتو قانون و قواعد حقوقی موجب پذیرش و اعتماد به مقامات نظام عدالت کیفری می‌شود.

تأثیرپذیری مراجع کیفری از رویکردهای امنیتی-سیاسی و گفتمان عوام‌گرایی، به تصمیمات و آرای منتهی می‌شود که برخلاف قواعد حقوق کیفری و اندیشه دادرسی منصفانه صادر گردیده است. در این وضعیت، نظام دادرسی کیفری عوام‌گرا نهادهای قانونی و قضایی متناسب با چنین رویکردی را تدارک می‌بیند و تلاش می‌کند که چنین سیاست جنایی تداوم یابد.

۳۴. محمدباقر، مقدسی، و محمد، فرجیها، پیشین، ص ۱۱۶.

۳۵. مجتبی، جعفری، جامعه‌شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۲)، ص ۸۲.

۳.۱. ارتقای وضعیت شاکی در فرایند کیفری

ظهور جنبش قربانیان و افزایش سطح حمایت از قربانیان جرایم در چند دهه اخیر یکی از ریشه‌های شکل‌گیری گفتمان عوام‌گرایی کیفری است. شاکیان از طریق توصیف‌های اغراق‌آمیز توجه رسانه‌ها را به خود جلب می‌کنند و این روند به مطالبات خاص از نظام عدالت کیفری و در نهایت، عوام‌گرایی کیفری منجر می‌شود.

در پرتو ارتقای جایگاه شاکی در دادرسی‌های کیفری، نهادهایی مانند «تجویز تعقیب مجدد متهم» از سوی دادستان به استناد ماده ۲۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در موارد بیشتری مورد عمل قرار می‌گیرد. این فرایند که می‌توان آن را «اعاده دادرسی در دادرسی» و از موارد دادخواهی فوق‌العاده دانست، در حال حاضر به محملی برای تشویش قضایی مردم و نقض قاعده منع تعقیب مجدد^{۳۶} تبدیل شده است. دلسوزی فراقانونی برای شاکی به هدف تطهیر سیاست‌گذاران جنایی از برچسب ناکارآمدی سیاست‌ها در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، محملی برای نادیده گرفتن قواعد دادرسی و تضییع حقوق و آزادی‌های افراد می‌گردد.

اضطراب ناشی از احتمال احضار به دادگستری برای تعقیب کیفری جدید و لزوم تدارک دفاع در برابر آن، احساس آرامش و امنیت فرد از بُعد قضایی را در جامعه از او سلب خواهد نمود.^{۳۷}

۳.۲. افزایش درخواست اعاده دادرسی ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری

سیاست‌گذاری کیفری غیرعلمی و بدون استفاده از رهیافت‌های کارشناسانه در کنترل جرایم که از ویژگی‌های گفتمان عوام‌گرایی کیفری شناخته می‌شود، علاوه بر تصویب قوانین ناکارآمد، به مرور در دستگاه قضایی نیز سیستم دادرسی و مقامات خاص خود را تربیت می‌کند. چنین رویکردی به آرای نامتناسب به لحاظ مجازات و شدت عمل کیفری منتهی می‌شود که پس از فروکش کردن هیجانات و احساسات اجتماعی اولیه، نامتناسب

36. non bis in idem

۳۷. علی، خالقی، آیین دادرسی کیفری، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵)، ص ۱۳۷.

بودن آرای صادره خودنمایی می‌کند. از سوی دیگر ممکن است گاه آرای صادر شود که تحت تأثیر جنبه مسامحه و سهل‌گیری گفتمان عوام‌گرایی به لحاظ تأمین اهداف حقوق کیفری و جبران ضرر و زیان شاکی و متضرر از جرم، کارایی لازم را نداشته باشد. در هر دوی این موارد، پیش‌بینی سازوکارهایی برای جبران ناکارآمدی حقوق کیفری در تأمین اهداف، همواره مورد توجه سیاست‌گذاران کیفری بوده است.

سیاست‌گذار کیفری ایران به زعم خود برای تأمین عدالت در دادرسی و جلوگیری از اجرای آرای نامتناسب به‌خصوص در امور کیفری، ساختار نظارتی ماده ۴۷۷ قانون آ.د.ک ۱۳۹۲ را برای رئیس قوه قضائیه پیش‌بینی نموده است. در واقع، روش‌های عادی دادخواهی در هدایت دادرسی در مسیر علمی و منطقی با شکست مواجه شده است و موجب می‌شود شیوه فوق‌العاده، ولی نامتعارف تظلم‌خواهی مانند ماده ۴۷۷ مورد توجه و استناد ویژه قرار بگیرد.

در پی تصویب این ماده و گذشت چند هفته از لازم‌الاجرا شدن قانون، معاون نظارت دیوان عالی کشور از مردم خواسته است تا برای اعمال ماده ۴۷۷ فقط به مقامات مجاز در تبصره ۳ این ماده مراجعه کنند و از مراجعه مستقیم به دیوان عالی کشور خودداری نمایند. این اظهار نظر حکایت از وجود تقاضاهای گسترده برای اعمال ماده ۴۷۷ دارد که از سراسر کشور به دیوان عالی کشور مراجعه داشته و مسئولان دیوان عالی کشور را به عکس‌العمل واداشته‌اند.

نکته قابل توجه اینکه چنانچه ما در نظام حقوقی در حد زیادی شاهد شاخصه‌های گفتمان کیفری عوام‌گرا باشیم، وجود یک مسیر قانونی بی‌انتهای، شخصی و فقدان ضوابط دقیق و مشخص ماهوی در تشخیص خلاف بین شرع و اعمال آن می‌تواند به ایجاد یک روند نامناسب در بدنه دستگاه قضایی منجر شود که کلیه رسیدگی‌ها را از مراحل اولیه تا انتهای رسیدگی در شیوه‌های عادی تحت تأثیر قرار دهد. در عین حال، شاید رسیدگی کیفری بی‌قاعده در پرتو سیاست کیفری عوام‌گرا و آرای ناشی از آن، به قدری نگران‌کننده باشد که دانشمندان حقوق کیفری را متقاعد سازد که وجود مسیری این‌چنینی برای رفع اثر از اشتباهات از دادرسی‌های کیفری هیجانی و شتاب‌زده بر مبنای عوام‌گرایی، خالی از فایده

نباشد. به نظر می‌رسد بخش مهمی از تقاضاهای ملاقات عمومی با مسئولان دادگستری و به‌ویژه رؤسای کل دادگستری‌ها بر همین اساس است.

۳.۳. ملاقات عمومی مسئولان قضایی

طی چند سال اخیر ملاقات‌های عمومی مقامات دادگستری به رویه‌ای معمول در دادگستری‌های سراسر کشور تبدیل شده است. گرچه شنیدن دیدگاه‌های مراجعان دادگاه‌ها و دادسراها به‌خودی‌خود امری پسندیده و مطلوب محسوب می‌شود، لکن چنین به‌نظر می‌رسد احساس نیاز به چنین جلساتی پیامد ناکارآمدی سیاست‌های قضایی و به هدف سرپوش گذاشتن بر عملکرد نامناسب مراجع قضایی و تثبیت جایگاه دستگاه قضایی در چارچوب گفتمان عوام‌گرایانه انجام می‌شود. در این زمینه، ملاقات‌های مردمی دادستان‌ها از نمود بیشتری برخوردار است. از یک سو، گستردگی وظایف و اختیارات قانونی دادستان، به‌خصوص در کشف و تعقیب جرایم، و از سوی دیگر، هدایت افکار عمومی به سوی اهمیت برخورد با جرایم خشونت‌بار و خیابانی باعث شده است بازتاب اجتماعی موقعیت دادستان و انتظارات عمومی فراتر از تأثیر قانونی و قضایی دادستان در فرایند کیفری باشد. بر این اساس، می‌توان گفت ملاقات‌های عمومی دادستان در واقع، پاسخی عوام‌گرایانه به یک انتظار خودساخته از سوی مقامات نظام عدالت کیفری است.^{۳۸}

واقعیت این است درخواست‌هایی که از طرف متقاضیان، تهیه و در این‌گونه جلسات ارائه می‌شود، معمولاً گویای جریان امر آن‌گونه که واقع شده نیست و با سیر پرونده که مشتمل بر جریانی از تحقیقات و اظهار نظرها از سوی طرفین و متصدی تحقیقات است، فاصله دارد. از سوی دیگر، رسیدگی به ساده‌ترین موضوعات قضایی و وصول به یک تصمیم قانونی منطبق با شرایط و ارکان، به فرصتی حداقل چندروزه نیاز دارد که چنین فرصتی در ملاقات‌های مردمی وجود ندارد.

مسئولان قضایی با موضعی عوام‌گرایانه، وعده رسیدگی و حل مشکلات پیچیده قضایی

۳۸. ملاقات عمومی دادستان معمولاً در یک روز از هفته انجام می‌شود؛ برای نمونه ملاقات با دادستان تهران و معاونان وی برای روزهای چهارشنبه قرار داده شده است. این ملاقات‌ها گاه خارج از محل دادسرا، نظیر مساجد بوده، در سطح شهر انجام می‌شود.

را می‌دهند، درحالی که موضوعات قضایی نیازمند بررسی‌های تخصصی است. این رویه به معنی انتقال فرایند رسیدگی کیفری به مسیری خارج از دادرسی و به‌دور از پوشش الزامات و موازین دادرسی عادلانه است که رسیدگی ترافعی ازجمله آن‌هاست و موجب تضییع حقوق و آزادی‌های افراد می‌شود.

نتیجه

ارائه تحلیل نادرست و غیرواقعی از علل وقوع جرم موجب اتخاذ نوع خاصی از سیاست در نظام عدالت کیفری می‌شود که با اهداف شناخته‌شده حقوق کیفری همسو نیست. این راهبرد، سخت‌گیرانه، عامه‌پسند، نمایشی، احساسی و فاقد مبنای نظری و علمی است و نیازی به شناخت علمی پدیده‌های مجرمانه در خود احساس نمی‌کند و با استفاده ابزاری از خواست‌ها و مطالبات عمومی در زمینه تأمین امنیت و با استناد به تفسیرهای غیرعلمی از خواست و انتظار عمومی، در صدد سرپوش گذاشتن بر ضعف سیاست‌گذاری کیفری است.

در جریان فرافکنی نسبت به علل وقوع جرایم، تأثیرگذاری رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی و تأثیر آن بر عواطف و احساسات عمومی و بازنمایی توأم با بزرگ‌نمایی انواع خاصی از جرایم با استفاده از جنجال‌های ژورنالیستی، بسترهای حمایت از پاسخ‌های احساسی و عامه‌پسند به پدیده‌های مجرمانه را فراهم ساخته است. در این شرایط، سیاست‌های مقطعی مبتنی بر امنیت ظاهری و نمایش اقتدار تصنعی نهادهای رسمی، بر تدابیر درازمدت پیشگیرانه مبتنی بر مشارکت جامعه محلی پیشی می‌گیرد.

در این سیاست کیفری تمرکز ویژه بر مقوله «امنیت» است و موجب سخت‌گیری نسبت به متهمان و قربانی شدن آنان می‌شود. رویکردی که به‌عنوان یک راه میان‌بر، برای اثبات و مقابله با این جرایم، ثمره دیگری را نیز برای جوامع به ارمغان آورده و آن خارج کردن دستاوردها و آموزه‌های جرم‌شناختی از محتوا و هدف اصلی آن و به‌خدمت درآوردن این آورده‌ها در جهت سیاست دولت‌ها، مهار و خنثی کردن مجرم و سخت‌گیری کیفری است. استفاده از شگردهای مبتنی بر فرافکنی در تحلیل علل ناکامی سیاست‌های کنترل جرم، توسعه گفتمان دشمن‌انگاری متهمان و مجرمان، که آنان را عامل اصلی تحقق نیافتن امنیت و ناقض منافع اکثریت شهروندان می‌دانند، از ویژگی‌های سیاست کیفری امنیت‌مدار

است. نتیجه تسلط این رویکرد بر سیاست کنترل جرم، تغییر شکل مبارزه با جرم است؛ به این صورت که مبارزه با آن از گذر سیاست‌های موسوم به «جنگ با جرم» دنبال می‌شود. در این شیوه از مبارزه، مجرم دشمن محسوب می‌شود؛ حال آنکه مجرم دشمن نیست، بلکه شهروندی است که صرفاً راه خطایی رفته است و نباید با او به‌مثابه بیگانه و دشمن برخورد شود.

گفتمان عوام‌گرایی در سیاست کیفری از بسترهای رویکردهای سخت‌گیرانه در مقابله با بزهکاری و قربانی‌سازی افراد است. اقدامات نمایشی و احساسی و به‌دور از مبانی صحیح نظری در مبارزه با جرم، نبود ارتباط علت و معلولی میان اقدام‌ها و نتایج مورد انتظار و فقدان تأثیرگذاری این تدابیر بر تضعیف یا خنثی کردن متغیرهای جرم موجب می‌شود که این واکنش‌ها با وجود وعده‌های آرمانی، در درازمدت قادر به پاسخ‌گویی به ادعاهای خود مبنی بر تأمین امنیت مورد انتظار مردم نباشند.

زمانی که پدیده جرم، مفهومی ذهنی و نه عینی، مفهومی سیاسی و نه حقوقی به خود می‌گیرد، دیگر نمی‌توان نمایشی متناسب و متوازن و قابل پیش‌بینی از واکنش اجتماعی در برابر جرم انتظار داشت. سیاست‌گذاری کیفری مبتنی بر ضرورت حفظ قدرت سیاسی منجر به پدیده ابزارگرایی کیفری می‌شود که جرم، مجازات و تمامی رفتارهای مقامات نظام عدالت کیفری در جهت خواست و منفعت مقامات سیاسی به‌کار گرفته و انجام می‌شود. در نظام عدالت کیفری ایران، رد پای مبانی نظریه قوچ قربانی به‌ویژه عوام‌گرایی و امنیت‌گرایی را در رفتار قانون‌گذار در تصویب قوانین ماهوی و شکلی و هم در رفتار مقامات قضایی و انتظامی مشاهده می‌کنیم. نتیجه این رویکردها، واکنش‌ها و دادرسی‌های شتاب‌زده و غیرعلمی است که در درازمدت اثر لازم را در پیشگیری از تکرار جرم ندارد و به نقض حقوق و آزادی‌های افراد، به‌ویژه متهم، منجر می‌شود. این درحالی است که امروزه اصل احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر در زمره قواعد آمره از نظر حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌روند؛ حقوقی که حتی در راستای تأمین امنیت نایستی نادیده گرفته شوند و نیز مورد تأکید اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قرار گرفته‌اند.

آنگاه که اتخاذ سیاست کیفری خشن و سزاگرایانه به دلیل بی‌توجهی به بسترهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و بی‌تفاوتی نسبت به ساختارهای جرم‌زا در جامعه نمی‌تواند تأثیر آن‌چنانی در کاهش جرم داشته باشد، حاکمیت که در انجام وظایف خود توفیق‌چندانی به‌دست نیاورده است، عدم موفقیت خود را به افراد و گروه‌هایی نسبت می‌دهد که به هر شکل با سیاست‌ها و رویه‌های جاری مخالف‌اند؛ به‌طوری که نخبگان و دانشمندان علوم اجتماعی نیز از این هجمه‌ها بی‌نصیب نمی‌مانند و ادبیات تهاجمی علیه کارشناسان و نخبگان مخالف با واکنش‌های مقطعی و غیرعلمی توسعه می‌یابد، و این درحالی است که موفقیت سیاست‌گذاران کیفری در واکنش علیه پدیده بزهکاری و کنترل جرم، مستلزم توجه لازم به آرا و نظریات علمای حقوق و سایر اندیشمندان علوم اجتماعی و بهره‌برداری لازم از آنها است.

زمانی که نظام عدالت کیفری تور مجازات را بر مجموعه‌ای از رفتارهای شهروندان بیندازد، جامعه با چنان جمعیت کیفری مواجه می‌شود که امکان اصلاح و درمان آنها سلب می‌گردد؛ بنابراین، سیاست جنایی سالم ایجاب می‌کند که از بزهکار به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهدافی نظیر حفظ نظم و امنیت استفاده نشود، چراکه در این شرایط گاه کرامت انسانی رنگ می‌بازد و موجب برخورد ابزاری با افراد می‌گردد. با وجود این، گفتمان سیاست جنایی ایران در حوزه مبارزه با بزهکاری دارای رویکردی کاملاً امنیت‌گرا بوده، فرصت اعمال محدودیت‌های گسترده را برای دولت فراهم می‌نماید. به این ترتیب، به‌نظر می‌رسد که کارنامه سیاست جنایی ایران در مراحل مختلف فرایند کیفری در زمینه تأمین امنیت، مبارزه با علل بزهکاری و پیشگیری از ارتکاب جرم باید مورد بازنگری قرار گیرد. بدیهی است چنانچه با استفاده از یافته‌های علمی و بررسی بسترهای اجتماعی به بررسی علل وقوع جرم پرداخته شود، راهکار پیشنهادی در زمینه مقابله با جرم و کاهش آسیب‌های ناشی از آن با اتخاذ همیشگی رویکردهای سزاگرایانه قضایی و پلیسی متفاوت خواهد بود. در این راستا دولت می‌بایست با احیای جنبه‌های انسانی - اجتماعی بزهکاران، نوع نگاه خود را به سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه، طرد و ناتوان‌سازی بزهکاران و به‌طور کلی قربانی نمودن آنان به بهانه تأمین نظم و امنیت را کنار گذاشته، بر تدابیر درمانی - اصلاحی بزهکاران و اقدامات پیشگیرانه اجتماعی سرمایه‌گذاری نماید.

منابع و مأخذ

- کتب -

۱. پاک‌نهاد، امیر، *سیاست جنایی ریسک‌مدار*، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۸۸).
۲. تاجیک، محمدرضا، *جامعه امن در گفتمان خاتمی*، (تهران: نشر نی، چ ۱، ۱۳۷۹).
۳. جعفری، مجتبی، *جامعه‌شناسی حقوق کیفری؛ رویکرد انتقادی به حقوق کیفری*، (تهران: نشر میزان، چ ۱، ۱۳۹۲).
۴. خالقی، علی، *آئین دادرسی کیفری*، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۹۵).
۵. دلماس مارتی، میری، «پارادایم جنگ علیه جرم؛ مشروع ساختن امر غیرانسانی»، مترجم: روح‌الدین کرد علیوند، *تازه‌های علوم جنایی* (مجموعه مقاله)، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: بنیاد حقوقی میزان، چ ۱، ۱۳۸۸).
۶. ژان، پرادل، *اندیشه‌های کیفری*، مترجم: علی حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳).
۷. طاهری، سمانه، *سیاست کیفری سخت‌گیرانه*، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲).
۸. غلامی، حسین و همکاران، *اصل حداقل بودن حقوق جزا*، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳).
۹. کی‌نیا، مهدی، *مبانی جرم‌شناسی*، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۹، ۱۳۸۸).
۱۰. میشل بست، ژان، *جامعه‌شناسی جنایت*، مترجم: فریدون وحید، (مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۷).
۱۱. نوبهار، رحیم، *حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی*، (تهران: انتشارات جنگل، چ ۱، ۱۳۸۷).

- مقالات -

۱۲. پرستش، رضا، و خسروی دانش، سحر، «مطالعه رعایت قواعد ماهوی اصول دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران»، *نشریه علمی مطالعات حقوقی معاصر*، سال دهم، شماره نوزدهم، پاییز و زمستان ۹۸ صفحات ۵۱-۷۶.

۱۳. حبیب‌زاده محمدجعفر؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ کلاتتری، کیومرث، «تورم کیفری، عوامل و پیامدها»، *مجله مدرس علوم انسانی*، دوره ۵، ش ۴ (۱۳۸۰).
۱۴. خیری، حسن، «بررسی جامعه‌شناختی قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، دوره ۶، ش ۲، پاییز و زمستان (۱۳۹۴).
۱۵. داوری، اسداله، «حق برخورداری از دادرسی منصفانه»، *نشریه حقوق اساسی*، سال دوم، ش ۲ (۱۳۸۳).
۱۶. ساداتی، سیدمحمدجواد و نوبهار، رحیم، «تاملی در زمینه‌های شکل‌گیری سیاست کیفری سختگیرانه در دهه ی نخست انقلاب اسلامی ایران»، *نشریه مطالعات حقوقی معاصر* (فقه و حقوق اسلامی سابق)، سال نهم، شماره هفدهم، پاییز و زمستان ۹۷، صفحات ۱۵۷-۱۸۳.
۱۷. سبزه‌ای، محمدتقی، «جامعه مدنی به مثابه قرارداد اجتماعی: تحلیل مقایسه‌ای اندیشه‌های هابز، لاک و روسو»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست*، سال نهم، ش ۲۲، بهار و تابستان (۱۳۸۶).
۱۸. شیدائیان، مهدی و شیدائیان، زینب، «رویکرد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به جرائم منافی عفت»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۱۰۱ (۱۳۹۷).
۱۹. صدر توحیدخانه، محمد، «حقوق در چنبره دشمن»، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله)*، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸).
۲۰. گلدوست جویباری، رجب و ابراهیمی‌منش، مهرا، «حق برخورداری مظنونان و متهمان از وکیل مدافع منتخب؛ تطبیق با اسناد حقوق بشری»، *نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ش ۶، پاییز و زمستان (۱۳۹۴).
۲۱. مقدسی، محمدباقر و فرجیها، محمد، «ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا با مطالعه تطبیقی»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، ش ۲، پاییز و زمستان (۱۳۹۲).
۲۲. نایی، هوشنگ؛ معیدفر، سعید؛ سراج‌زاده، سید حسین؛ فیضی، ایرج، «تئوری آنومی دورکیم و مرتن؛ شباهتها، تفاوتها و شیوه‌های اندازه‌گیری»، دوره ۱۷، ش ۶۶ (۱۳۹۶).
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «کیفرشناسی نو- جرم‌شناسی نو (درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار)»، *تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله)*، تهران: میزان، چ ۱، (۱۳۸۸).

۲۴. نوبهار، رحیم و صیقل، یزدان، «ویژگی‌ها و راهبردهای کیفرشناسی ریسک‌مدار»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتماد و یکم، ش ۱۰۰ (۱۳۹۵).

– رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها

۲۵. آتشی، المیرا، مهلت معقول در فرایند کیفری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۹۲).

۲۶. خزائی، علی، نقش و تأثیر افکار عمومی بر سیاست جنایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، (۱۳۹۲).

۲۷. مقدسی، محمداقبر، عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران، رساله دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، (۱۳۹۰).

ب) انگلیسی

28. Amnesty international, *Fair Trial manual*, Second edition, U K, Amnesty international publications. (Amnesty international, 2014).
29. Arie Freiberg, Karen Gelb, *Penal Populism, Sentencing Councils and Sentencing Policy*, 1st Edition Willan Published, 2008.
30. Ashworth, Andrew (1992), *Principles of Criminal Law*, Oxford University Press (Ashworth, 1992: 55)
31. Blad, John, *Against Penal Instrumentalism*; URL: www.iirp.edu/pdf/nl03_blad.pdf, 2003.
32. Garland, D., “*Introduction: The meaning of mass imprisonment*”, in Garland, D. (Eds.), *Mass imprisonment: Social causes and consequences*, London, Sage Publication, 2001.
33. Husak, Douglas, *Criminal Law Theory; in The Blackwell Guide to the Philosophy of Law and Legal Theory*; Blackwell Publishing, 2005.
34. Jewkes, Y., “*Media representations of criminal justice*”, in Muncie, J., & Wilson, D. (Eds.), *Student handbook of criminal justice and criminology*, Great Britain, Cavendish Publishing, 2004.

35. Pratt, J., “*Penal populism and the contemporary role of punishment*”, in Anthony, T., & Cunneen, C. (Eds.), *The critical criminology companion*, Australia, Hawkins Press, 2008
36. Pratt, John; Clark, Marie, “*Penal populism in New Zealand*”. *Punishment and Society*. 7 (3): 303–322. doi:10.1177/1462474505053831, 2005.
37. Wood, William R, *Punitive Populism*, <https://doi.org/10.1002/9781118517390.wbetc140>, 2014.